



The effects of public enforcement of limits in crime prevention with emphasis on public punishment in Holy Qur'an (verse 2 of Surah Noor)

Ahmed Gharai Fard¹ Marzieh Pilehvar*² Javad Rajabi Salman³

Received date: 2024/1/10

Acceptance date: 2024/3/17

Abstract

One of the main factors in preventing crime is the enforcement of limits. There are many differences of opinion among jurists and legal scholars on the issue of the public implementation of limits. Some believe in the incumbency and some believe in the desirability of the public implementation of limits, and in contrast to them, there is a group that opposes the public implementation of limits. Wahn considers religion as the reason for his opposition to the public implementation of limits. This research aims to explain the effects of the public implementation of limits in crime prevention in response to the question, how can the public implementation of limits be effective in reducing crimes? With the analytical-critical research method, by emphasizing the meaning of Holy Qur'an (verse 2 of Surah Noor), the available evidences and citing the prominent opinions of jurists, we reached these results that the cases of public implementation of punishment in the jurisprudential sources of the Qur'an and hadiths are limited. However, by ascertainment in cases where the crime causes public opinion to be humiliated, the punishment can be carried out publicly to be a factor in preventing crime and corruption in the society. Also, proving the theory of the effectiveness of the public enforcement of limits in reducing crimes and criticizing the arguments of its opponents, are among the results of this research.

Key words: public punishment, crimes, limits, prevention, lesson.

¹ phd student of jurisprudence and fundamentals of law, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran. a.gharae@chmail.ir

² * Assistant Professor of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran.
(Responsible Author) pilehvar.ma@gmail.com

³ Assistant Professor of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran.
javadrajabisalman@yahoo.com

آثار اجرای علنی حدود در پیشگیری از جرم با تأکید بر مجازات علنی در آیه ۲ سوره مبارکه نور

احمد غرایبی فرد^۱ مرضیه پیله ور^{۲*} جواد رجبی سلمان^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۷

چکیده

یکی از عوامل اصلی در پیشگیری از وقوع جرم و جنایت اجرای حدود است. در میان فقها و حقوق دانان در مسئله اجرای علنی حدود، اختلاف نظر فراوانی وجود دارد. برخی معتقد به وجوب و برخی معتقد به استحباب اجرای علنی حدود بوده و در مقابل ایشان گروهی مخالف اجرای علنی حدود هستند. وهن دین را دلیل مخالفت خود با اجرای علنی حدود می دانند. این پژوهش با هدف تبیین آثار اجرای علنی حدود در پیشگیری از جرم در پاسخ به این سؤال که اجرای علنی حدود چگونه می تواند در کاهش جرایم تأثیر گذار باشد؟ با روش پژوهش تحلیلی-انتقادی و با تأکید بر دلالت آیه ۲ سوره مبارکه نور وادله موجود و استناد به نظرات برجسته فقهاء، به این نتایج دست یافته است که، موارد اجرای علنی مجازات در منابع فقهی قرآن و روایات محدود است ولیکن می توان با تنقیح مناط در مواردی که جرم باعث جریحه دار شدن افکار عمومی گردد، مجازات، علنی اجرا گردد تا عاملی باشد برای پیشگیری از جرم و فساد در جامعه، همچنین اثبات نظریه تأثیرگذاری اجرای علنی حدود در کاهش جرایم و نقد ادله مخالفان آن از نتایج این پژوهش است.

واژگان کلیدی: جرائم، حدود، پیشگیری، عبرت، مجازات علنی.

a.gharae@chmail.ir

pilehvar.ma@gmail.com

javadrabisalman@yahoo.com

^۱. دانشجوی دکتری الهیات فقه و مبانی حقوق، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

^{۲*}. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. (نویسنده مسئول)

^۳. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

۱- طرح مسئله

در منابع فقهی و دینی، برای برخی از معاصی حدود خاصی اشاره شده است. در صورت ارتکاب توسط افراد باید حدود الهی جاری گردد. اگر حاکم شرع و متصدیان این امر، عامل بر اجرای حدود باشند، درصد آمار جرم و جنایات در حد قابل توجهی کاسته خواهد شد، یکی از بهترین راه‌های مؤثر برای کاهش جرایم، اجرای علنی حدود است. آموزه‌های دینی ما برای اجرای علنی حدود، آثار مثبتی قایل شده‌اند. برای پاکسازی جامعه باید همانگونه که گناه برملا شده مجازات نیز برملا شود. این واقعیت را نیز نباید از نظر دور داشت که بسیاری از مردم برای حیثیت و آبروی خود، بیش از مسأله تنبیهات بدنی اهمیت قائلند و همین علنی شدن، ترمز نیرومندی بر روی هوس‌های سرکش آنان است. در این پژوهش سعی بر آن است که به ۲ سؤال با رویکرد تحلیلی- انتقادی پاسخ داده شود که ۱- چرا منابع فقهی (قرآن و روایات) تأکید بر اجرای علنی حدود دارند؟ و ۲- مهم‌ترین چالش تشکیل اجرای علنی حدود چیست؟ فرضیات این تحقیق آن است که دلیل تأکید ائمه معصومین (علیه السلام) در خصوص اجرای علنی حدود، عامل بازدارندگی و کاهش آثار جرم و فساد در جامعه است و همچنین مهم‌ترین چالش اجرای علنی حدود معارضة اجرای علنی مجازات‌ها با قوانین حقوق بشری و وهن اسلام است. در این پژوهش با تأکید بر مضمون آیه ۲ سوره نور و استناد به تفاسیر ارزشمند علماء و استناد به روایات، اجماع و عقل در جهت اثبات این فرضیات اقدام خواهیم نمود. از آنجایی که اجرای علنی حدود عاملی بسیار مهم و بازدارنده برای ارتکاب جرایم و پاکسازی افراد جامعه است باید به چالش‌هایی چون اجرای علنی باعث وهن اسلام است، در مواردی بنا به مصلحت مهم‌تری، اعتناء نکرد. زیرا اجرای علنی آثار مثبت بسیاری در جامعه در پی دارد از جمله: افزایش سطح امنیت اجتماعی و روانی در مردم، مرهم نهادن بر قلوب جریحه‌دار مردم

۲- مفهوم حد و جنایت

در کتب لغت، حد به معنای مرز، پایان، خاتمه، انتها و منتهی آمده است. راغب اصفهانی در مفردات می‌گوید حد عبارت است از واسطه میان دو چیز که از اختلاف آن دو جلوگیری می‌کند (اصفهانی، ۱۳۷۴: ۴۵۶). لذا مرز را از آن جهت حد می‌گویند که میان دو شیء واقع شده و مانع از اختلاط است و به تصریح راغب علت تسمیه حد زنا، حد خمر، آن است که مرتکب را از ارتکاب جدید باز می‌دارد و دیگران را نیز از ارتکاب منع می‌کند. در اصطلاح شرع نیز حد مجازاتی است که نوع و میزان آن را شرع معین و مقدر کرده است مانند حد زنا و شرب خمر، سرقت (عقوبه مقدره و جبت حق الله تعالی عقوبه تتعلق بابالام البدن عین الشارع کیفیها) برخلاف تعزیر که آن نیز مانند حد، مجازات بدنی است ولی مقدار آن به نظر حاکم محول شده و مقدار آن در کتاب الله ذکر نشده است.

جنایت در لغت: جنایت به معنای گناه کردن است در اصل معنای جنایت چیدن میوه از درخت می‌باشد که بعد از آن به ایجاد و احداث شر و سپس بخود شر و بعد از آن بفعل حرام انتقال داده شده است (دهخدا، ۱۳۸۵: ۱). جنایت در فقه اسلامی: معنای مشهور جنایت در منابع فقهی هرگونه فعل یا ترک فعل یا تسبیب است که موجب وارد آمدن خسارت جانی و بدنی بر دیگری شود و عقوبتی برای آن مقرر شده باشد (زحیلی، ۱۹۸۴: ۲۱۵).

۳- فلسفه حدود

برای بسیاری از مردم این سؤال مطرح است که چرا اسلام در برابر برخی از گناهان با صلابت و بدون ترحم و عطفی حدود خاص را جاری می‌نماید و می‌فرماید فلسفه کیفر و اجرای علنی حدود در آموزه‌های اسلامی چیست؟ نگارنده به سه دلیل کلی می‌پردازد:

۱- کفار آن گناه است. سئل عن ابا عبدالله عن رجلٍ أقیم علیه الحد فی الدنيا أیُعاقب فی الاخره فقال : الله اکرم من ذلک. شخصی از امام صادق سوال کرد اگر شخصی در این دنیا به خاطر معصیتی که کرده حد بخورد آیا در آخرت نیز معاقب و عذاب می‌شود؟ امام فرمودند خیر، الله اکرم من ذلک (کلینی، ۱۳۸۵: ۲۶۵).

۲- به خاطر عقوبت آن عمل و جزای آن کار ناپسند.

۳- دیگران نیز عبرت بگیرند و از انجام آن معصیت دوری کنند.

۴- موارد اجرای علنی حدود

بررسی منابع فقهی گویای این است که موارد اجرای علنی مجازات، محدود است اما با این حال، نمی‌توان مدعی شد که اجرای علنی مجازات، به همین موارد منحصر است، زیرا با تنقیح مناط از متون قرآن و روایات می‌توان این نکته را استنباط کرد که هر گاه جرم مذکور باعث جریحه‌دار شدن افکار عمومی گردد و مردم از اجرای آشکار مجازات، خشنود باشند، در آن صورت می‌توان حکم مزبور را در ملا عام اجرا کرد.

۴-۱- مجازات شخص محارب

از موارد اجرای علنی حدود، مجازات شخص محارب است زیرا کسی که مفسد فی الارض شناخته شود، یکی از انواع مجازات‌هایش که حاکم در مجازاتش مخیر است، این است که او را ابتدا به قتل برساند و بعد جسد وی را به مدت سه روز به صلیب بکشد و یا اینکه زنده وی را به صلیب کشیده و پس از کشته شدن سه روز بالای دار نگه داشته شود. پرواضح است که مسئله صلیب کشیدن او صرفاً به منزله اعلان و عبرت‌گیری مردم است و یکی دیگر از مجازات‌های شخص محارب تبعید کردن است و تبعید نیز به صورت علنی باید انجام گیرد.

۴-۲- مجازات مرتد

در بعضی از روایات نیز دیده شده که مجازات مرتد را در ملاعام انجام داده‌اند و جمعیت نیز در اجرای حد مشارکت داشته‌اند. چنان که در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده که علی علیه السلام دو نفر مسلمان را که در کوفه بت پرست شده بودند حاضر کرد و از آنها خواست توبه کنند، ولی آنها حاضر به توبه نشدند. به همین سبب حضرت در ملاعام آتش افروخت و آن دو را در آتش افکند (حر عاملی، بی‌تا: ۵۵۶).

۴-۳- مجازات لواط کار

از دیگر موارد اجرای علنی، مجازات لواط کار است، از روایتی استفاده می‌شود که حضرت علی (علیه السلام) بر شخصی که اقرار به عمل لواط کرده بود چاله‌ای کند و خواست این فرد لاطی را در حضور مردم آتش بزنند، که این نشان از این است که اجرای حد لواط نیز می‌تواند در حضور مردم باشد (حر عاملی، ۱۳۹۱: ۵).

نکته مهم: کیفر و مجازات هیچ یک از گناهان کبیره به پای مجازات و کیفر این عمل کثیف نمی‌رسد، تا آنجا که در اسلام در هیچ مورد سوزاندن با آتش تجویز نشده، ولی در این مورد تجویز شده است و حاکم اسلام مخیر است شخص لواط‌کننده را به یکی از طرق کشتن، سنگباران کردن، پرتاب از بلندی به طوری که استخوان‌های او را در هم بشکند، یا سوزاندن، مجازات کند.

۴-۴- مجازات شراب‌خوار

با مراجعه به روایت بدست می‌آید که مجازات شراب‌خوار نیز، باید علنی جاری شود از جمله: در روایت زراره از امام باقر (علیه السلام) نقل شده که فرمود در زمان خلافت عثمان وقتی که مردم در حضور خلیفه شهادت دادند ولید بن عقیبه شراب نوشیده است، عثمان به حضرت علی (علیه السلام) گفت بین ولید و این جمعیت حاضر قضاوت کند در اینجا حضرت علی (ع) او را تازیانه زد و در حضور جمع حد را بر او اجرا کرد (کلینی، ۱۳۸۵: ۲۱۵).

و این واقعه نشان می‌دهد که آن حضرت مجازات را بدون هیچ ملاحظه‌ای در ملاعام اجرا می‌کردند چرا که حضرت عالمند بر اینکه اجرای علنی حدود تأثیر بسزایی در کاهش جرایم می‌گذارد.

۴-۵- مجازات شخص زنا کار

یکی دیگر از موارد اجرای علنی حدود مجازات شخص زناکار است که مفصل در قسمت ادله و جوب اجرای علنی حدود بحث خواهد شد. موارد دیگری با مراجعه به روایت بدست می‌آید که امامان در عصر حضور مجازات را به شکل علنی اجرا می‌کردند از جمله سب‌النبی، قیادت (واسطه شدن بین دو طرف برای عمل فحشاء که این کار از گناهان کبیره می‌باشد. و اگر کسی قoadی کند جرم او هفتاد و پنج ضربه تازیانه است).

۵- بیان دیدگاه ها در مورد اجرای علنی یا غیر علنی حدود

در خصوص نحوه اجرای حدود بین فقهاء و حقوق دانان اختلاف نظر خاصی حاکم است. گروهی معتقد به اجرای علنی حدود هستند که البته برخی قائل به وجوب و برخی قائل به استحباب هستند درمقابل گروهی مخالف اجرای علنی حدود هستند.

۵-۱- معتقدین وجوب اجرای علنی حدود و ادله آنها

شیخ مفید در المقننه و ابن ادریس در سرائر به وجوب علنی بودن اجرای حدود فتوا داده اند (محمد بغدادی، ۱۴۱۰: ۷۸۰؛ حلی، ۱۴۱۱: ۴۵۳). علامه حلی در قواعد الاحکام می گوید: «يَنْبَغِي لِلْإِمَامِ إِذَا اسْتَوْفَى حَدًّا أَنْ يَشْعَرَ النَّاسَ وَيَأْمُرَهُمُ بِالْحُضُورِ وَيَجِبُ حُضُورُ طَائِفَةٍ: برای امام سزاوار است هرگاه حدی را اجرا می کند مردم را آگاه سازد و به آنان امر کنند تا حاضر شوند و حضور طائفه ای از مردم واجب است» (حلی، ۱۴۱۹: ۵۲۹).

فاضل هندی در کشف اللثام (اصفهانی، ۱۴۰۵: ۴۰۱) و مقدس اردبیلی نیز حضور مردم را واجب دانسته اند. مرحوم آیت الله خوئی نیز وجوب عده ای از مؤمنان را به هنگام اجرای حد زنا لازم می دانند. در کتاب الدر المنثور نیز آمده است که ظاهر فعل امر در آیه بر وجوب دلالت دارد. از این رو، به ناچار باید گفت که حضور جمعی در هنگام اقامه حد واجب است فقیهان مذهب حنبلی یکی از مذاهب چهارگانه اهل سنت نیز با استناد به ظاهر این آیه شریفه تصریح نموده اند که امر در کلمه ليشهد ظهور در وجوب عده ای از مؤمنان هنگام اجرای حد زنا دارد (عبدالله بن قدامه، ۱۴۱۴: ۹۶). قائلین به اجرای علنی حدود برای اثبات ادعای خود، به قرآن، روایات، اجماع و عقل تمسک نموده اند.

۵-۱-۱- قرآن

نص آیه مورد بحث، این آیه شریفه است: الزَانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةً جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلِيَشْهَدَ طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (نور/۲).

عواقب شومی که این عمل زنا دامن فرد و جامعه را می گیرد بر کسی پوشیده نیست مانند: ۱. پیدایش این عمل زشت بدون شک نظام خانواده را برهم می ریزد. ۲. رابطه فرزند و پدر را مبهم و تاریک می کند. ۳. فرزندان فاقد هویت را که طبق تجربه تبدیل به جنایتکاران خطرناکی می شوند در جامعه زیاد می کند. ۴. این عمل زشت سبب انواع برخوردها و کشمکش ها در میان هوسبازان است. ۵- بیماری های روانی و آمیزشی که از آثار شوم آن است بر کسی پنهان نیست. ۶. باعث کشتن فرزندان و سقط جنین و جنایاتی از این قبیل می شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۶۷). بی شک در قرار دادن حد برای شخص زناکار مصلحت بزرگی است، زیرا زنا باعث فقدان انساب، بی حیایی مردان و زنان، عداوت مردمان با یکدیگر، ریخته شدن خون ها در راه معشوقه بازی و عدم اطمینان زوجین نسبت به همدیگر می گردد و سبب شیوع امراض مسری از قبیل سوزاک و سفلیس می شود و شارع مقدس برای جلوگیری از اینها حد را معین نموده است (بروجردی، ۱۳۴۱: ۴۵۷). در عرف امروز اروپا زن و مرد فقط در وقتی که به تعبیر اسلام محصن و محصنه باشند از زنا کردن ممنوع اند؛ یعنی مرد زن دار و یک زن شوهر دار حق ندارند زنا کنند، اما برای مردی که زن ندارد یا زنی که شوهر ندارد هیچ منعی نیست که زنا کنند حال چرا اینطور می گویند؟ آنها اینطور فکر می کنند که فلسفه حرمت زنا مرد و زن در این است که به زنش خیانت کرده و بالعکس و مرد و زنی که ازدواج نکرده اند تعهدی نسبت به کسی ندارد پس برای آنها اشکالی ندارد؛ ولی از نظر اسلام در اینجا دو مسأله مطرح است:

۱. برای هیچ مرد و زنی در خارج از تشکیل عائله حق کامیابی جنسی نیست اسلام برای عائله آنقدر اهمیت فوق العاده ای قائل است که در خارج کانون خانوادگی ارضای کامیابی جنسی را ممنوع می داند و تنها محیط خانوادگی را جای ارضای کامیابی جنسی می داند و در محیط خارج از کانون خانوادگی به هیچ وجه اجازه نمی دهد مرد و زنی از یکدیگر استمتاع کنند. ۲. مسأله اجرای حدود، مجازات زن و مرد است با تمام احکام بدون تفکیک شدن بین اقسام زنا، که هر شخصی هر یک از اقسام زنا را مرتکب شود حد مخصوص خود را خواهد چشید. یکی از چیزهایی که پایه خانوادگی و محیط خانوادگی را محکم می کند همین مسأله است و امروز هم در جامعه ما به هر نسبت که از فرنگی ها پیروی کنیم کانون خانوادگی خود را متزلزل کرده ایم.

البته با توجه به مشاهدات می‌توان یکی از علل آمار طلاق در جامعه که روز به روز رو به فزونی است را گسترش این گناه در بین جوانان دانست، وقتی جامعه به دستور اسلام عمل کنند و پسرها قبل از ازدواج با هیچ زنی و دختری ارتباط نداشته باشند و دخترها نیز با هیچ پسری در تماس نباشند، جوانان زندگی پایدار و مستحکمی را می‌توانند بنا کنند. ازدواج در سیستم فرنگی یعنی آزاد را محدود کردند، از آزادی به محدودیت درآمدند، ولی ازدواج در سیستم اسلامی یعنی از محدودیت به آزادی آمدن، ازدواجی که پایه و خاصیت روانی‌اش از محدودیت به آزادی آمدن است به دنبال خود استحکام می‌آورد و آن که پایه‌اش از آزادی به محدودیت آمدن است اولاً استحکام ندارد، ثانیاً آن پسر و دختری که به تعبیر خود فرنگی‌ها ده‌ها نفر را تجربه کرده باشند مگر می‌شود با یکی پایبندش کرد. این است که اسلام زنا را تحریم کرده و اینچنین مجازاتی برای خاطئین مقرر نموده است.

این عمل منافی عفت از همه کس قبیح است، ولی از زنان زشت‌تر و اقبح است چرا که آنها از حجب و حیای بیشتری برخوردارند و شکستن آن دلیل بر تمرد شدیدتری است، از این گذشته عواقب شوم این امر اگر چه دامنگیر هر دو می‌شود اما در مورد زنان عواقب شومش بیشتر است زیرا: ۱. سرچشمه و سوسه این کار از ناحیه آنها صورت می‌گیرد و در بسیاری از موارد عامل اصلی محسوب می‌شوند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۶۴). ۲. حامله شدنشان زیان‌آورتر و شهوت آنها قوی‌تر است (طبرسی، ۱۳۶۰، ذیل همین آیه). ۳. تمایل بانوی هرزه‌گر بیشتر سبب گرایش جوانان به او و به این عمل شنیع می‌شود و ۴. درباره زنان مستلزم جنایات دیگری است از اینکه جنین را سقط کند یا پس از تولد چه اقدام جنایتکارانه‌ای درباره نوزاد ننماید؟ (حسینی، ۱۳۸۰: ۳۲۸).

لفظ اجلدوا در زبان عرب صیغه امر است و امر دلالت بر وجوب می‌کند؛ یعنی شخص زناکار باید تازیانه بخورد و واجب است زده شود، این وجوب نیز فوری است، زیرا علمای نحو می‌گویند فاء دلالت بر انجام عمل بدون فاصله است (والفاء للترتیب باتصال و تعقیب) (سیوطی، ۱۳۸۲: ۶۹). اما آیا در جامعه کنونی اگر شخصی مرتکب این عمل زشت شود و عملش نیز اثبات شود حدی بر آن، آن هم فوری اجرا و جاری می‌شود یا نه؟!

فاجلدوا گرچه خطاب به امت است ولی مراد رسول اکرم و ائمه می‌باشند که قائم مقام او هستند. بلاخلاف، یعنی هر شخصی نمی‌تواند حد را جاری کند (نیشابوری، ۱۳۷۴، ذیل همین آیه) و آقای واعظ کاشانی در تفسیر مواهب نیز مجری اجرای حدود را ائمه (علیهم السلام) می‌داند (کاشانی، ۱۳۱۷: ۲۶۲) و آقای فتح‌الله کاشانی در خلاصه المنهج، مجری اجرای حدود را حکام شرع می‌داند (کاشانی، ۱۳۴۴: ۲۶۲). صاحب تفسیر مجمع البیان نیز می‌فرماید: مجری احکام و حدود ائمه (علیهم السلام) و منصوبان از طرف آنهاست و هیچ یک به غیر از آن دو نمی‌توانند حدود الهی را در جامعه پیاده و اجرا نمایند (کاشانی، ۱۳۱۷: ۲۶۲) و صاحب تفسیر انوار درخشان می‌فرماید: قیام به این وظیفه خطیر بر حسب خطاب فاجلدوا به حکام شرع و زمامدار امور است که در زمان غیبت به عهده نائب ائمه (علیهم السلام) است (حسینی، ۱۳۸۰: ۳۲۸). در تفسیر جامع نیز می‌بینیم که صاحب این تفسیر می‌فرماید: گرچه در ظاهر خطاب به عموم است ولی باطناً منظور رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و نائبان ائمه (علیهم السلام) هستند - (بروجردی، ۱۳۴۱: ۴۶۰).

از نقل قول این مفسران این نتیجه بدست می‌آید که هیچ کس جزء ائمه (علیهم السلام) و حکام شرع نمی‌توانند حدود الهی را اجرا نمایند. بنابراین اگر شخصی عمل زنا را انجام دهد طرف مجاز نخواهد شد خود دست به اجرای حد زند حتی در اینصورت خود فرد عامل طبق دستور اسلامی مجازات می‌شود.

آیه کریمه می‌فرماید هر یک از مرد و زن زنا کار، باید صد تازیانه زده شوند و این جمله مجمل را، سنت و روایات منقوله تفصیل می‌دهد، زیرا زنا به اقسامی تقسیم می‌شود که هر یک حکم مخصوص و حد مخصوص به خود را دارد، (زناى محصنه، زناى زن شوهر دار یا مرد زن دار - زناى با محارم - زناى با اجنبی - حر یا حره باشند - عبد یا کنیز باشند - بکر یا زن - بالغ یا غیربالغ - عن علم و عمد باشد یا عن شبهه) در حالیکه این آیه شریفه فقط حد یک قسم از اقسام زنا را بیان نموده که آن زنا کردن مرد بالغ محصنه‌ای با دختر بچه یا زن دیوانه است که حد آن صد ضربه تازیانه است و چون بحث اصلی ما در آثار اجرای حد است نیازی به ذکر تمام موارد آنها نیست و مطالب بیان شده مقدمه‌ای برای کنکاش و بررسی بیشتر جملات آخر این آیه است؛ لذا از ذکر تمام اقسام زنا خودداری کرده و فقط به یکی از احکام امیرالمؤمنان (ع) اشاره می‌شود که در یک روز پنج زناکار را پیش او آوردند و در مورد هر یک، یک حد خاص اجرا نمودند. یکی را رجم کردند، یکی را حد زدند، یکی را نیم حد بر او

جاری ساختند و یکی را تعزیر و فرد دیگری را نیز رها و آزاد نمودند. جمعیت حاضر از حضرت علی(ع) پرسیدند: ای مولی حادثه و عمل زشتی که آنها مرتکب شده‌اند یکی است چرا پنج حکم مختلف نمودید، حکمت این کار چه بوده است؟ حضرت فرمودند: درست که حادثه یکی است ولی احوال مختلف است، زیرا آنکس را که رجم نمودیم، محصن بود و بر شخص محصن رجم است بالاجماع و سنت و آنکه را که حد زدیم محصن نبود و آن شخص را که نیم حد جاری ساختیم بنده بود و بر بنده نیم حد آزاد است و آنکه را تعزیر نمودیم کودک بود و بر کودک حد جاری نمی‌شود و فقط باید او را ادب کرد که دیگر سمت این عمل زشت نرود و من نیز ادبش کردم که دیگر تکرار نکند و آنکه را که رها کردیم دیوانه بود و بر دیوانه تکلیف نیست (الجرجانی، ۱۳۳۷: ۲۷۱).

شخصی که مرتکب چنین عمل زشت و منافی عفت می‌شود، باید به سزای عمل خویش برسد (و لا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ) و حال اگر حاکم شرع احساسات و عواطف بر آن غلبه کند و حدی که بر مجرم مقرر شده اجرا نکند و یا دلش بسوزد و آنطور که حکم الهی است در موردش جاری نسازد، افراد جسارت بر انجام گناه پیدا می‌کنند و نتیجه‌اش گسترش فساد و آلودگی فرد و جامعه است، که در جامعه کنونی بعینه شاهد این همه فساد و آلودگی هستیم. قرآن کریم برای خنثی کردن انگیزه‌های اینگونه احساسات مسأله ایمان به خدا و روز جزاء را پیش می‌کشد زیرا نشانه ایمان به مبدأ و معاد، تسلیم مطلق در برابر فرمان اوست.

پیامبر(ص) می‌فرمایند: در روز قیامت بعضی از زمامداران را که یک تازیانه از حد الهی کم کرده‌اند در صحنه محشر می‌آورند و به او گفته می‌شود چرا چنین کردی و یک تازیانه کم کردی؟ می‌گوید برای رحمت به بندگان تو، خداوند در جواب به او می‌گوید آیا تو نسبت به آنها از من مهربان‌تر بودی؟ دستور داده می‌شود او را به آتش بیفکنند. و دیگری را می‌آورند که یک تازیانه بر حد الهی افزوده به او گفته می‌شود چرا چنین کردی؟ در پاسخ می‌گوید تا بندگان از معصیت تو خودداری کنند، خداوند می‌گوید آیا تو از من آگاه‌تر و حکیم‌تر بودی؟ پس دستور داده می‌شود او را هم بر آتش ببرند (کاشانی، ۱۳۴۴: ۲۶۵).

صاحب تفسیر شریف انوار درخشان می‌فرماید: اجرای حدود از لوازم ایمان به آفریدگار و اعتقاد به روز رستاخیز است و امتناع از اجرای عقوبت مستلزم غضب کبرiایی و نیز سلب اختلال نظام و جرأت مردم فرومایه به اعمال زشت است (حسینی، ۱۳۸۹: ۳۲۸). دلسوزی نکنید که این بدن‌های لطیف، طاقت تازیانه ندارد و سبک و خفیف بزنید، حدود الهیه باید جاری شود تا جلوگیری از این فساد بزرگ شود. امروز چون حدود الهی تعطیل شده نه قاتل را می‌کشند و نه لاطی و نه شاری الخمر و نه زانی راه، در جامعه قاتل و لاطی و زانی، سارق و شارب الخمر فراوان شده و حتی اگر حدود الهی بر مرتد و منکر ضروریات و مبدع جاری می‌شد این همه کفر و ضلالت بوجود نمی‌آمد (اطیب، ۱۳۶۶).

حقا که سخنی متین و شیواست، همه ما در این جامعه زندگی می‌کنیم و شاهد بسیاری از جنایات و جرم‌ها هستیم و یکی از علل افزایش این همه خلاف و جرم و جنایت، تعطیل شدن احکام الهی و اجرای حدود است اگر بر زنی تازیانه می‌زدند و سارقی دستش را قطع می‌کردند (که در کشورهای عرب این قانون علناً می‌شود و در یک منطقه خاص در یک زمان خاص دست سارقین را قطع می‌کنند. همین باعث شده که دیگر افراد جرأت سرقت و دستبرد زدن به اموال مردم را ندارند حتی اگر صاحب‌خانه یا مغازه، خانه یا مغازه را ترک گفته باشد) و اگر منکر ضروریات را می‌کشند دیگر وضع جامعه اینچنین نمی‌شد و این همه بی‌امنی در جامعه حکم فرما نمی‌شد. در حالیکه ما افرادی را می‌بینیم آشکارا مرتکب زنا، سرقت و... می‌شوند و ضروریات دین را انکار می‌کنند و هیچ واهمه‌ای از انجام این گناهان و خلافکاری‌ها ندارند.

اگر فردی در جامعه دست به اختلاس بزرگ مالی زند یا مفاسد اقتصادی در جامعه ایجاد نماید، مسئولین مربوطه باید تصمیم بگیرند در ملاء عام آنان را معرفی نمایند و مورد شناخت همه قرار گیرند و مجازات نمایند، چرا در انجام این کارها اهمال کاری می‌کنند؟ همین اهمال کاری و پشت گوش انداختن بعضی از حکم‌ها و دستورها و عمل نکردن به آنها باعث شده افراد، بی‌مبالا دست به سرقت‌های کلان و اختلاس‌های میلیاردی بزنند!

و یا از جمله حدودی که اسلام تعیین کرده حق بوسیدن نامحرم یا هم‌خوابی با آنان است، که در صورت ارتکاب چند ضربه تازیانه باید زده شوند. سؤال اساسی این است که آیا در اوضاعی که بسر می‌بریم و شاهد اینچنین معاصی در بین مردم هستیم (درپارک‌ها و اماکن تفریحی و زیارتی)

و تا حدی قبح آن نیز شکسته شده است و متأسفانه دانشگاه‌های امروز ما که محل تحصیل علم و دانش است تبدیل به محل عیاشی و خوش گذرانی و خالی کردن شهوات گردیده است. حال چرا با مشاهده فراوان اینگونه صحنه‌ها و گناهان، حد خاصی که مقرر شده اجرا نمی‌شود؟ لام در (ولیشهد عذابهما طایفه) لام امر غایب است که معنی وجوب از آن استفاده می‌شود ولی بعضی از مفسران و فقیهان فرموده‌اند، حضور مؤمنان به هنگام تازیانه خوردن زناکاران واجب نیست بلکه مستحب است.

در کتاب تفسیر انوار درخشان اشاره شده که اجرای کیفر به هر یک از آن دو زناکار باید علنی باشد و حضور در آن مکان به طور آزاد اعلام گردد که سبب سرشکستگی و تأثر خاطر آن دو گردد و اجرای عقوبت به خاطره‌ها سپرده شود و مانع شود که بار دیگر تکرار شود و همچنین سبب تهدید افراد مبتذل خواهد شد (حسینی، ۱۳۸۰: ۳۲۸). در کتاب کشف الحقایق بیان شده، برای جلوگیری از شیوع فسادهای بزرگ جامعه باید برای زن زناکار و مرد زناکار بشرح آیه حد جاری شود فی الحقیقه جای تأسف و تعجب است که این دستور مهم و ستوده چگونه متروک مانده و حال آنکه نتیجه وخیم بلا اجرا ماندن چنین دستوری برای همه مشهود است (علوی، ۱۳۹۶ق). در کتاب تفسیر مخزن العرفان نیز بیان گردیده زناکار را باید مجازات کرد و وی را در بین مردم مفتضح و رسوا، تا دیگران متنبه گردیده و چنین عمل قبیحی بین مردم دائمی نگردد (اصفهانی، ۱۳۶۱). و در تفسیر احسن الحدیث نسبت به مورد بحث اشاره شده که و لیشهد عذاب‌ها صریح است در اینکه تازیانه زدن باید در حضور عده‌ای از مؤمنان باشد تا از آن عبرت گیرند (قریشی، ۱۳۶۶).

در آیه شریفه از کلمه طایفه استفاده شده است این کلمه از کلمه طوائف مشتق شده، به معنی این است که مردم در اطراف چیزی جمع شوند؛ یعنی لازم است به هنگام تازیانه خوردن زناکاران گروهی از مؤمنان حضور داشته باشند و شاهد اجرای حد باشند. اما درخصوص اینکه مراد از طائفه، چند نفر باشد، اختلاف نظر دارند. عده‌ای قائلند که مقصود از طائفه حداقل، یک نفر است. برخی، حداقل دو نفر، برخی دیگر، سه نفر و برخی نیز ده نفر را مطرح کرده‌اند. بعضی دیگر این امر را به عرف واگذار کرده‌اند.

آیه می‌فرماید در اجرای حد بر زناکاران طائفه‌ای نیز از مؤمنان حضور داشته باشند که شاهد اجرای حد باشند. حال چرا مشاهده را مقید به افراد مؤمنان کرده و نفرمود هر کس که می‌خواهد اعم از مؤمن و کافر می‌توانند شاهد باشند. اگر چه فقط خدا می‌داند، ولی شاید بتوان گفت برای این است که چون کافران دشمنان اسلامند و از دیدن اینگونه منظره‌ها مسرور و خوشحال می‌شوند؛ لذا اسلام نمی‌خواهد کافران که نسبت به اسرار اسلام نامحرم هستند از دیدن اینگونه منظره‌ها شاد شوند، همانگونه که کافران به بعضی دیگر از اسرار اسلام نامحرمند مثلاً از قبیل اینکه زنان کفار به زنان مسلمان نامحرمند چرا ممکن است آن زیبایی‌ها و اسراری که آنان از زنان مسلمان مشاهده می‌کنند برای شوهرانشان و دیگر کفار نقل کنند (نجفی، ۱۳۶۴: ۱۵).

فاضل مقداد قید مؤمنین را قید احتزاری دانسته و تصریح نموده که بایستی طائفه شرکت‌کننده به هنگام اجرای حد از جمع مؤمنان باشد نه کفار، تا اینکه اجرای حد در منظر کفار مانع گرایش و پیوستن آنان به اسلام نگردد اگر مؤمن به صحنه اجرای حد نظاره کند نه تنها ناراحت و متنفر نمی‌شود بلکه بواسطه اجرای حد خرسند می‌شود.

دستور حضور جمعی از مؤمنان در صحنه مجازات تنها هدفش این نیست که تنها گنه کار عبرت گیرد، بلکه هدف آنست که مجازات او سبب عبرت دیگران هم بشود با توجه به بافت زندگی اجتماعی بشر آلودگی‌های اخلاقی در یک فرد جمع نمی‌شود و به جامعه نیز سرایت می‌کند. برای پاکسازی باید همانگونه که گناه برملا شده مجازات نیز برملا شود و به این ترتیب پاسخ این سؤال که چرا اسلام اجازه می‌دهد آبروی انسانی در جمع بریزد روشن می‌شود، زیرا مادامی که گناه آشکار نگردیده و به دادگاه اسلامی کشیده نشده است. خداوند ستارالعیوب، راضی به پرده‌داری نیست؛ اما بعد از ثبوت جرم و بیرون افتادن راز از پرده استتار و آلوده شدن جامعه و کم شدن اهمیت گناه باید به گونه‌ای مجازات صورت گیرد که اثرات منفی گناه خنثی شود و عظمت گناه به حالت نخستین برگردد، این واقعیت را نیز نباید از نظر دور داشت که بسیاری از مردم برای حیثیت و آبروی خود بیش از مسأله تبیهات بدنی اهمیت قائلند و همین علنی شدن ترمز نیرومندی بر روی هوس‌های سرکش آنهاست (شیرازی، ۱۳۷۴). پس این جمله اخیر آیه امر می‌کند مبادا اجرای حکم در پشت دیوارها و دور از چشم مردم انجام شود. باید در حضور مردم باشد و خبرش همه جا پخش شود تا بدانند اسلام نسبت به اینگونه مسائل حساسیت خرج می‌دهد، چون اصل اجرای حد و دستورات جزائی برای تأدیب و تربیت اجتماع است. اگر زنی زنا کند و محرمانه او را ولو اعدام هم کنند اثری در اجتماع نمی‌بخشد. در صدر اسلام هم هر وقت چنین چیزی اتفاق می‌افتاد که

البته کم هم اتفاق افتاده چون این قوانین را اجرا می‌کردند زنا کم اتفاق می‌افتاد، اعلام عمومی می‌کردند. بنابراین در مجازات زنا علاوه بر خود مجازات کیفیت اجرا نیز معلوم گردیده و حضور مردم لازم دانسته شده است، از نظر فقهی نیز اعلان عمومی برای حضور مردم در مراسم اجرای حد مطلوب و شایسته است.

۵-۱-۲- روایات

روایات فراوانی وجود دارد که دلیل وجوب حضور و اجرای علنی را تقویت می‌کند که در قسمت موارد اجرای حدود علنی برخی از آن روایات بیان گردید. در این قسمت نیز به بیان ۲ مورد اشاره شده است. زنی در حضور امیرالمؤمنان (ع) چهار مرتبه اقرار به زنا کرد حضرت به غلامشان دستور دادند برو مردم را دعوت کن، غلام رفت و مردم را به مسجد دعوت کرد حضرت در آن مجلس بلند شدند و فرمودند: ای مردم فردا صبح این خانم را برای اجرای حد به بیرون کوفه می‌برند برای مشاهده آن بیایید (نجفی، ۱۳۶۴: ۳۵۳). در این روایت بر حضور مردم تأکید دارند و می‌فرماید که در هنگام اجرای حد حضور یابند. حتی گاهی حضرت علی علیه‌السلام اجرای حد را به روز جمعه تاخیر می‌انداخت، تا حکم الهی در میان اجتماع انبوه مردم به اجرا گذاشته شود (عاملی، ۱۳۹۱: ۵۱۴).

۵-۱-۳- ادله عقلی

قائلین وجوب اجرای علنی حدود برای اثبات مدعای خود علاوه بر قرآن و سنت، به ادله‌های عقلی نیز تمسک جسته‌اند از جمله:
الف- ارباب و اصلاح جامعه: از مهم‌ترین اهداف اجرای مجازات آن هم به شکل علنی همین ترساندن و اصلاح جامعه است همان طور که امام خمینی (ره) هم اجرای علنی حدود را موجب اصلاح جامعه می‌داند و درباره اجرای علنی مجازات می‌فرماید اگر چهار تا دزد، در مجمع عمومی دستش را ببرند، دزدی تمام می‌شود (موسوی خمینی، ۱۴۲۱: ۷)

ب- عبرت‌پذیری و بازدارندگی عمومی: از دیگر اهداف اساسی اجرای علنی مجازات، عبرت‌پذیری مجرم و بازدارندگی عمومی است با اجرای مجازات علنی هم خودش دیگر دست به ارتکاب جرم نمی‌زند و هم برای دیگران درس عبرتی بزرگی می‌شود. سزار بکاریا در رساله جرایم و مجازات‌ها می‌فرماید که مجازات باید حتمی و اجرای آن، سریع و آشکار باشد (بکاریا، ۱۳۹۳).

ج- سایر ادله عقلی: از این ادله‌های عقلی می‌توان به افزایش سطح امنیت اجتماعی و روانی در مردم، به نمایش گذاشتن اقتدار نظام اسلامی، مرهم نهادن بر قلوب جریحه‌دار مردم، پیشگیری از تباهی‌های احتمالی در اجرای حدود و مجازات‌ها اشاره کرد (فلاح و چالی، ۱۳۸۶)

۵-۱-۴- اجماع

با توجه به ادله‌های موجود اعم از نقلی (آیات و روایات) و عقلی که بر ضرورت اجرای علنی وجود دارد، در اصل موضوع اختلافی نیست و همگان بر ضرورت اجرای آن اتفاق نظر دارند. شیخ طوسی از عبارت بلاخلاف استفاده کرده و آیت الله فاضل لنکرانی نیز از شیخ طوسی عدم خلاف در زمینه وجوب حضور طایفه‌هایی از مؤمنان را در زمان اجرای حد نقل کرده است (لنکرانی، ۱۳۸۱: ۲۳۶).

۵-۲- معتقدین استحباب اجرای علنی حدود و ادله آنها

برخی فقیهان حضور عده‌ای را به هنگام اجرای حد زنا مستحب دانسته‌اند از جمله: محقق حلی دیدگاه استحباب را اختیار کرده و در شرایع می‌گوید: «یَنْبَغِي أَنْ يَعْلَمَ النَّاسُ لِيَتَوَفَّرُوا عَلَى حُضُورِهِ وَ يَسْتَحَبُّ أَنْ يَحْضُرَ أَقَامَةُ الْحَدِّ طَائِفَةٌ: سزاوار است که مردم از اقامه حد آگاه شوند تا در محل اقامه حد اجتماع کنند و مستحب است در هنگام اقامه حد عده‌ای حاضر شوند» (محقق حلی، ۱۴۰۳: ۱۵۷). از فقیهان شافعی و مالکی و برخی فقیهان حنفی نیز قائل به استحباب حضور عده‌ای به هنگام اجرای حد زنا شده‌اند (حسن بن مسعود، ۱۴۱۸: ۳۲۶).
قائلین به استحباب برای اثبات دیدگاه خود ادله‌ای را بیان نموده‌اند که البته به دلایل آنها نقدهایی نیز وارد است از جمله:

۵-۲-۱- اصل عدم وجوب

شهید ثانی در تعلیل دیدگاه شهید اول مبنی بر استحباب اجرای علنی حدود به اصل عدم وجوب اشاره نموده است.

۵-۲-۲- احتزاریت قیود مؤمنان

متن سخن فاضل مقداد در صفحات گذشته طرح گردید که ایشان قید مذکور را قید احتزاری دانسته‌اند و تصریح نموده‌اند که حتما طائفه شرکت کننده به هنگام اجرای حد زنا از جمع مؤمنان باشد نه از کفار، برخی با استناد به همین سخن فاضل مقداد علنی بودن اجرای حدود در عصر حاضر را از آن جهت که مانع جدی گرایش کفار به اسلام است، نپذیرفته‌اند.

۵-۳- معتقدین عدم جواز اجرای علنی حدود و ادله آنها

برخی قائلند هیچ گونه دلیل شرعی بر لزوم یا رجحان اجرای علنی مجازات و دعوت از عموم به عنوان تماشاگر هر چند با هدف ارعاب و پیشگیری صورت گیرد وجود ندارد. در ادامه می‌فرمایند آیه شریفه و لیشهد و روایت مربوط به این باب نه تنها دلالتی بر اجرای مجازات در ملاعام ندارند، بلکه با توجه به قیود الطائفة و من المؤمنین در آیه شریفه و عبارت لا یقیم الحد من الله علیه الحد در عبارت روایات و تعبیر فقیهان نسبت به اینکه مؤمن شرکت کننده به هنگام اجرای حد بایستی افراد برگزیده و عادل باشند و همچنین احادیثی که حاکی از واکنش حضرت علی (ع) نسبت به حضور جمعیت فراوان و همچنین حضور افراد لاابالی استفاده می‌شود که مجازات نبایستی در ملاعام و بطور علنی اجرا گردد و در ادامه می‌فرمایند: فلسفه حضور این عده به هنگام اجرای حد در برخی مجازات‌ها گواهی دادن نسبت به اجرای آن است و لزوم یا استحباب گواهی دادن چند نفر عادل و مورد اعتماد نسبت به اجرای حدود الهی زمینه پیشگیری عام را فراهم می‌سازد زیرا قطعیت و حتمیت اجرای مجازات که از نظرات دقیق چند نفر ثقه و مورد اعتماد و انعکاس خبر آن در جامعه حاصل می‌شود تا تأثیر شگرفی در پیشگیری عمومی داشته و اثرگذاری آن از اجرای مجازاتهای شدید و خشن و به نمایش گذاردن آن بیشتر خواهد بود. ادله‌هایی مختلفی نیز برای این نظریه (مخالف اجرای علنی حدود) ارایه کرده‌اند از جمله: ۱. اجرای علنی مجازات موجب وهن دین است و جایز نیست، ۲. برخلاف اصل شخصی بودن مجازات است، ۳. اجرای علنی مجازات‌ها موجب تحمیل مجازات مضاعف بر مجرم می‌گردد، ۴. معارضه اجرای علنی مجازات‌ها با قوانین حقوق بشری.

۶- نقد دیدگاه استحباب و مخالفین اجرای علنی حدود

برای هریک از دو دیدگاه استحباب و مخالفین اجرای علنی حدود، نقدهایی وارد است، بالاخص نسبت به ادله مخالفین، که در ادامه به چند نقد اساسی به ادله این دو دیدگاه اشاره شده است:

۶-۱- نقد دیدگاه استحباب

۱. پس از اثبات ظهور امر در وجوب دیگر جایی برای اصل عدم وجوب نمی‌ماند.
۲. لزوم حضور مؤمنان در آیه شریفه و احتزاری بودن این قید محرز است اما این امر هیچ ملازمه‌ای به غیر از علنی بودن حدود در عصر حاضر ندارد زیرا دلیلی برای ملاکی که ذکر شد نداریم.

۶-۲- نقد مخالفین اجرای علنی حدود

۱. قطعاً دیدن صحنه مجازات بازدارندگی بیشتری نسبت به شنیدن اجرای مجازات دارد.
۲. این حکم مخالف ظاهر روایات فراوانی است که عموم مردم را برای نظاره اجرای حکم فرا می‌خوانند.
۳. برخی جرائم فقط باید به صورت علنی انجام شود و برخی مجازات‌ها نیز به گونه‌ای است که باید در منظر عموم صورت گیرد مانند به صلیب کشیدن. طبق قوانین کیفری اسلام یکی از مجازات‌هایی که قاضی می‌تواند در مورد فرد محارب اختیار نماید به صلیب کشیدن وی به مدت سه روز است به نظر می‌رسد حکمت این حکم علاوه بر پیشگیری عام، ترمیم احساسات و عواطف است که تحت تأثیر ارتکاب جرم محاربه لطمه جدی دیده است.
۴. این سخن شما مخالف با برداشت اکثر فقیهان است، زیرا فقیهان نیز حضور عده‌ای از مردم را بازدارندگی اجرای حدود و دیدن این منظره دانسته‌اند.

۵. سؤال اساسی این است که آیا به طور مطلق، اجرای علنی در تمامی حدود موجب وهن دین است؟ مسلماً و بدون شک پاسخ منفی است.

۶. درست است که هر کسی، مسئول عمل خویش است اما این به این معنا نیست که مجازات باید چنان باشد که هیچ کس غیر از مجرم آزرده نشود چون در این صورت، تقریباً هیچ مجازاتی قابلیت اجرا پیدا نمی‌کند در تمام مجازات‌ها ممکن است بستگان و خانواده مجرم و تعدادی از افراد جامعه هم متأثر شوند یا زیان ببینند، اما این آثار با اصل شخصی بودن مجازات‌ها منافات ندارد (فتحی، ۱۳۸۱).

۷- یکی از شیوه‌های مجازات علنی، اجرا کردن مجازات است که این بخشی از مجازات است، نه مجازاتی جداگانه برای مجرم که قاتل، به مجازات مضاعف، برای مجرم باشیم.

در نتیجه با نقدهایی که به دو دیدگاه استحباب اجرای علنی حدود و مخالفین اجرای علنی حدود وارد گردید، نظر قائلین به وجوب اجرای علنی حدود با استناد به ادله چهارگانه قرآن، سنت، اجماع و عقل که باعث پیشگیری و کاهش جرایم می‌گردد به اثبات رسید.

نتیجه‌گیری

اسلام برای مرتکبان بعضی از گناهان حد و کیفر خاصی مقرر نموده است که در صورت ارتکاب باید به شکل علنی بر شخص خاطی اجرا شود. موارد اجرای علنی مجازات، در منابع فقهی، محدود است اما نمی‌توان اجرای علنی مجازات را به همین موارد منحصر ساخت زیرا با تنقیح مناط استنباط می‌شود، که هرگاه جرم مذکور باعث جریحه‌دار شدن افکار عمومی گردد و مردم از اجرای آشکار مجازات خشنود باشند، در آن صورت می‌توان حکم مزبور را علنی اجرا کرد و برای کسانی که زمینه فساد در آنها هست عامل پیشگیری بسیار مهمی است. حد در لغت به معنای منع است چون اجرای حد موجب منع از ارتکاب مجدد جرم می‌شود، چرا که وقتی حد بر شخص خاطی جاری شود عاملی بازدارنده برای ارتکاب جرم و جنایت است. رؤیت صحنه اجرای حدود الهی، درس عبرتی بزرگی برای دیگران نیز می‌باشد که مواظب هوس‌های سرکش باشند که مرتکب اعمال ناشایست نگردند. در احادیث و منابع فقهی، ضمن تأکید بر اجرای علنی حدود و فواید متعدد آن، به حکمت تشریع احکام مربوط به حدود نیز اشاره شده و از جمله دلایل اهتمام به اجرای حدود، پیشگیری از تعدی به ارکان جامعه و مصالح عمومی است. اجرای مخفیانه حدود اثر بازدارندگی خاصی ندارد و پیامدهای وخیم عدم اجرا بر کسی پوشیده نیست. متصدیان امور نیز نباید نسبت به اجرای احکام ترحمی از خود نشان دهند، وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ (سوره نور آیه ۲) چنانچه سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) هم در برخورد با شخص مجرم و اجرای حدود بدون ترحم بوده است. از جمله خانمی در حضور امیرالمؤمنین علیه‌السلام چهار مرتبه اقرار به زنا کرد. حضرت به غلام‌شان قنبر دستور دادند برو مردم را دعوت کن. رفت مردم را به مسجد دعوت کرد، حضرت در آن اجتماع بلند شدند و پس از ثنای الهی فرمودند: ای مردم! امام شما امیرالمؤمنین فردا صبح این خانم را برای اجرای حد، به بیرون کوفه می‌برد. برای مشاهده آن ببایید (شیخ حر عاملی، بی‌تا: ۵۳)

در این پژوهش با استناد به ادله چهارگانه قرآن، سنت، اجماع و عقل تأثیرگذاری اجرای علنی حدود در کاهش جرایم و نظریه قائلین به وجوب اجرای علنی حدود اثبات و نقدهای اساسی به مخالفین اجرای علنی حدود وارد گردید. پژوهشگران علاقمند به تحقیق در موضوعات و مسائل مرتبط می‌توانند میزان تأثیرگذاری اجرای علنی حدود در برخی جرایم را به طور مصداقی بررسی کنند.

فهرست منابع

قرآن کریم

- ابوالحسنی، رحیم (۱۳۸۰). اجرای علنی مجازات‌ها از دیدگاه حقوق اسلام. *مجله رواق اندیشه*، (۶).
- اصفهان‌نوی، بانوی؛ و اصفهان‌نوی، امین (۱۳۶۱). *مخزن‌العرفان*. تهران: نهضت زنان مسلمان.
- بروجردی، سید ابراهیم (۱۳۴۱). *جامع، چاپ سوم*، تهران: انتشارات صدر.
- بغدادی شیخ مفید، محمد (۱۴۱۰). *المقنعه*، چاپ دوم، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- بکاریا، سزار (۱۳۹۳). *رساله جرایم و مجازات‌ها*، ترجمه محمد علی اردبیلی، چ ۷، تهران: میزان.
- جرجانی، ابوالحسن (۱۳۳۷). *تفسیر گارز*، ج ۶، تهران: دانشگاه تهران.

- حاجی حسینی، حسین (۱۳۹۴). *بررسی مستندات اجرای علنی حدود در فقه شیعه*، رسایل، (۳).
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۹۱). *وسایل الشیعه*، ج ۴، بیروت: دارالحیا التراث العربی.
- حسن بن یوسف، (علامه حلی) (۱۴۱۹). *قواعد الاحکام*، چاپ اول، قم: موسسه نشر اسلامی.
- حسینی اشکوری، سید علی؛ و یهنام دارابی (۱۳۹۳). *اجرای علنی مجازاتها از دیدگاه فقه مقارن و تاثیر مقتضیات زمان*، فقه مقارن.
- حسینی، سید محمد (۱۳۸۰). *انوار درخشان*. تهران: کتابفروشی لطفی.
- خالقی، علی (۱۳۸۳). *علنی بودن دادرسی در پرتو اسناد بین المللی و حقوق داخلی*، شهر دانش، (۵).
- خسروی، شاهزاده (۱۳۹۷). *خسروی*. تهران: چاپ اسلامیه.
- خمینی، روح الله (۱۴۲۱). *تحریر الوسیله*. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۶). *مفردات*، ترجمه غلامرضا خسروی، چ ۳، انتشارات مرتضوی.
- زحیلی، وهبه مصطفی (۱۳۸۵). *الفقه الاسلامی و ادلته*، چ ۳، احسان.
- سیوطی، جلال الدین (۱۳۸۲). *البهجه المرضیه*، چ ۳، قم: دار التفسیر.
- طبرسی، ابوالفضل (۱۳۶۰). *ترجمه مجمع البیان*، چاپ اول، تهران: انتشارات فراهانی.
- طیب، سید عبدالحسین (۱۳۶۶). *اطیب البیان*، چاپ سوم، تهران: انتشارات اسلام.
- علوی، محمد کریم (۱۳۹۶). *کشف الحقایق*، حاج عبدالمجید صادق نوبری، تهران.
- فتحی، حجت الله (۱۳۸۱). *بررسی فقهی حقوقی اجرای علنی حدود و گستره آن*، رواق اندیشه ۸.
- فلاح، حسن؛ و چالی بابلی، احمد (۱۳۸۶). *اجرای حدود و مجازاتها از منظر عقل و نقل*. فقه و مبانی حقوق، (۸).
- قریشی، سید علی اکبر (۱۳۶۶). *احسن الحدیث*، چاپ اول، تهران: واحد تحقیقات اسلامی.
- کاشانی، فتح الله (۱۳۴۴). *منهج الصادقین*، چاپ دوم، تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- لاهیجی، بهاءالدین محمد (۱۳۶۳). *شریف لاهیجی*. تهران: مؤسسه مطبوعات علمی.
- محمد بن الحسن بن محمد اصفهانی (۱۴۰۵). *کشف اللثام*، چاپ دوم، قم: مکتب آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *نمونه*، چاپ چهاردهم. تهران: دارالکتب اسلامیه.
- نجفی، محمد جواد (۱۳۶۴). *آسان*، چاپ اول، تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- واعظ کاشفی، حسین (۱۳۱۷). *موهّب*، چاپ اول، تهران: کتابفروشی اقبال.
- ابن قدامه، عبد الله ابن احمد (۱۴۱۴). *الکافی فی الفقه الامام الحنبل*، چ ۱، بیروت.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵). *لغت نامه دهخدا*. تهران: انتشارات دانشگاه.
- فاضل موحدی لنکرانی، محمد (۱۳۸۱). *تفصیل الشریعه*. قم: مرکز فقه الاثمه الاطهار.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۰). *اصول کافی*، حسین استاد ولی. تهران: انتشارات دارالثقلین.